

عقود با بازدهی ثابت، عامل اصلی مشکلات بانكداری بدون ربا

حجت الاسلام والمسلمين سيد عباس موسويان

دبير گر: اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي

مقدمه

توسعه اقتصادی هر جامعه‌ای در گرو سرمایه‌گذاری است بطوری که سرمایه‌گذاری را موتور محرکه اقتصاد نام داده‌اند، در هر جامعه‌ای به علل مختلف بخشی از سرمایه‌های نقدی در دست افرادی قرارداد که توانایی استفاده‌کارا از آن ندارند از طرف دیگر صاحبکاران اقتصادی وجود دارد که در عین توانایی تبدیل سرمایه‌های راکد به عوامل مولد ثروت، چنین امکاناتی را در اختیار ندارند، بر این اساس وجود مؤسساتی که بتواند این دوگروه از افراد جامعه را به هم مرتبط سازد ضروری است، البته این به تنهایی کافی نیست وجود سیستمی صریح و روشنی که بتواند برای صاحبان سرمایه انگیزه و برای متقاضیان سرمایه ملاک تصمیم‌گیری اعطا کند رکن دیگر مسئله است.

مؤسسات بانکی از با سابقه‌ترین و روانترین ابزارهای این ارتباط به حساب می‌آیند، بانکها با داشتن شعبه‌های متعدد در اقصی نقاط کشور به راحتی می‌توانند پس‌اندازهای راکد را جذب کرده در اختیار متقاضیان مختلف قرار دهند و نقش قابل توجهی در جهت رشد و توسعه اقتصادی ایفا کنند، لکن به دلیل حاکمیت سیستم بهره نتوانسته‌اند به این امر مهم آنطور که انتظار می‌رفت نائل شوند و چه بسا عامل بوجود آمدن بحرانهای بزرگی در اقتصاد گردیده‌اند. چنانچه در نظریات بهره اذعان شده، قیمت گذاری سرمایه در سیستم بهره درالگوی کینزینها و نئوکینزینها بصورت برون‌زا و در الگوی نئوکلاسیکها علاوه بر عملکرد سرمایه تحت تأثیر عواملی غیر از بخش واقعی اقتصاد صورت می‌گیرد و این موجب می‌شود تغییرات نرخ بهره و در نتیجه انعقاد قراردادهای نه براساس کار کرد واقعی سرمایه در اقتصاد بلکه براساس آن عوامل برون‌زا شکل بگیرد. بنگاههایی

که در شرایط رونق اقتصادی یا تورمی تحت تأثیر جو عمومی اقدام به استقراض با نرخ بهره‌های بالا کرده و سرمایه‌گذاری می‌کنند بعد از ورود اقتصاد به دوره رکود، خود را تنها و بی‌کس می‌یابند، از طرفی بایستی بهره‌ای را که بدون ارتباط با بازدهی سرمایه در شرایط کنونی متعهد شده‌اند بپردازند و از طرفی دیگر به فکر پیدا کردن بازاری برای فروش کالاهای انبار شده باشند اینجاست که به ناچار تن به ورشکستگی می‌دهند و بدنبال خود مؤسساتی را که وام و اعتبار در اختیار آنان قرار داده بودند مسئله‌دار می‌سازند و در نهایت کل اقتصاد را وارد بحران مالی می‌کنند.

کما اینکه در طرف مقابل وقتی در دوره رکود بانکها منابع مالی سپرده‌گذاران را با بهره‌های اندک در قالب اعتبارات بلند مدت در اختیار نگاهها می‌گذارند بعد از سپری شدن دوره رکود احساس می‌کنند متاع خود را ارزان فروخته‌اند، و این امر موجب می‌گردد غالباً با احتیاط اقدام کرده و از اعطاء تسهیلات بلند مدت خودداری کنند.

وجود این اشکالات و امثال آنها اندیشمندان اقتصاد را بر آن داشته تا به فکر طراحی سیستم جدیدی باشند که بتواند در عین ایجاد ارتباط بین پسانداز کنندگان و سرمایه‌گذاران، و اعطای انگیزه و ملاک تصمیم‌گیری اشکالات سیستم بهره را نداشته متناسب با نقش آفرینی سرمایه در فعالیت اقتصادی عمل کند. و جای بسی خوشوقتی است که این امر مهم با الهام از تعلیم نورانی اسلام از کشورهای اسلامی و بدست اقتصاددانان مسلمان شروع شده است.

اسلام با تحریم سیستم بهره، شیوه جدیدی در قیمت گذاری سرمایه ارائه می‌دهد و درآمد آن را نه تنها متناسب با نقش آفرینی سرمایه در کل اقتصاد بلکه متناسب با عملکرد آن در فعالیتی می‌کند که آن سرمایه در آن فعالیت بکار گرفته شده، به این معنی که صاحبان پول و صاحبکاران اقتصادی اگر چه براساس سود انتظاری تصمیم به سرمایه‌گذاری می‌گیرند لکن متعهد می‌شوند سود و زیان ناشی از عملکرد فعالیت خودشان را با هم تقسیم کنند. این شیوه از توزیع درآمد بین عامل کار و سرمایه علاوه بر اینکه تقسیم درآمد را بین این دو عامل اساسی تولید متناسب با عملکرد و نقش آفرینی هر یک در فعالیت مذکور می‌کند به دلیل همراهی صاحب سرمایه با صاحبکار اقتصادی روند سرمایه‌گذاری و به دنبال آن تولید و اشتغال و توسعه اقتصادی از یک رشد با ثبات قابل توجهی برخوردار می‌گرداند.

بانکداری اسلامی که الهام گرفته از این فکر بلند و عدالت خواهانه است امیدهای زیادی در دلها شعله‌ور ساخت برای نمونه «وال استریت ژورنال» در همان سالهای اولیه طرح بانکداری اسلامی در سر مقاله خود نوشت: «بحران بانکی امریکا با گرایش به سیستم بانکی اسلامی قابل حل است.»

و در آن مقاله دارد: «تئوری بانکداری اسلامی برای غرب حامل پیام امیدوار کننده‌ای است که می‌تواند مشکلات این بحران را حل کند... در نظام بانکداری اسلامی به جای اینکه بانکها

براساس یک نرخ بهره ثابت به شخص سرمایه‌گذار پول پرداخت نمایند وام دهنده و وام گیرنده برطبق یک قرارداد رسمی موافقت می‌کنند که چگونه ضرر یا منفعت ناشی از سرمایه‌گذاری در پروژه مورد نظر را بین خود تقسیم کنند.»

بعد ادامه می‌دهد، «چنانچه امور بانکداری بین‌المللی و بانک‌های داخلی آمریکا به ویژه در امر وام دادن براساس نظام بانکداری اسلامی عمل کرده بودند، بحران بدهی‌های بین‌المللی و بحران مؤسسات بانک‌های داخلی آمریکا معروف به بحران مؤسسات پس‌انداز و وام روی نمی‌داد.»^(۱)

بانکداری بدون ربا ایران

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با فراهم آمدن زمینه تحقق اسلام، اندیشمندان مسلمان ایران نیز به فکر جایگزین کردن سیستم بانکداری اسلامی برآمدند و بازحمات زیادی که متحمل شدند موفق به طراحی قانون عملیات بانکداری بدون ربا که در سال ۱۳۶۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای محترم نگهبان رسید و از سال ۱۳۶۳ به مرحله اجرا گذاشته شد گردیدند که جای بسی تقدیر و تشکر است.

طبیعی است هر طرح نوی مخصوصاً وقتی که از جایگاه فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد نیازمند مراقبت مداوم در رفع نقایص و تقویت نقاط قوت می‌باشد. خوشبختانه مؤسسه عالی بانکداری ایران از همان سالهای اول با تشکیل سمینارهای متعدد زمینه طرح انتقادات و ارائه پیشنهادات تکمیلی را مهیا ساخت، مقاله حاضر که در این راستا تدوین شده بعد از نگاهی نقادانه به اصل قانون و عملکرد بانکداری بدون ربا در صدد ارائه الگویی مطلوب از بانکداری اسلامی است.

طراحان بانکداری بدون ربا اگرچه در شروع کار توجه به آثار سوء سیستم بهره داشتند و آن را در قالب اهداف نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران آورده‌اند^(۲) لکن درعمل با مختصر غفلتی ناخواسته گرفتار همان سیستم گردیده‌اند، تحولات اقتصادی بعد از انقلاب، مشکلات جنگ تحمیلی، مسائل بوجود آمده از ملی شدن بانکها، جایگاه نظام بانکی به عنوان تنها منبع تامین کننده کسری بودجه، نبودن فرصت کافی و عواملی دیگر موجب شد طراحان بانکداری بدون ربا با اجتناب از تحولی عمیق در ساختارهای اساسی بانک، تنها به این فکر باشند که برای معاملات رایج که متناسب با سیستم بهره تنظیم شده‌اند لباسی دیگر بدوزند، بر این اساس عده‌ای مأمور شدند با تفحص درمئون فقهی عقودی پیدا کنند تا بتوانند معاملات مورد نظر را در قالب آن عقود ارائه دهند. با قطع نظر از اینکه آیا این عقود تناسب با بازار سرمایه دارند یا نه؟ و آیا می‌توانند در سازمان دهی پس‌اندازها و تبدیل آنها به سرمایه‌گذاری کارآئی داشته باشند یا نه؟ و از اینجاست که می‌بینیم انواعی از عقود با ماهیت و عملکردهای متفاوت وارد قانون بانکداری بدون ربا می‌شود که مشکلات عدیده‌ای را به دنبال می‌آورد.

قبل از بحث از ماهیت عقود بانکداری بدون ربا و مشکلات آنها، تذکر این نکته را برای محققین اقتصاد اسلامی لازم می‌دانم که اسلام به دلیل جامعیتش و به دلیل در نظر گرفتن نیازهای فردی و اجتماعی و حالات مختلف فرد و جامعه اقدام به تجویز روابط و معاملات متنوع اقتصادی کرده است گاهی محقق به صرف جواز یک معامله در فقه اسلامی اقدام به طراحی و ارائه الگویی از اقتصاد اسلامی می‌کند غافل از اینکه آن عقد و آن معامله ظرف خاص خود را دارد و در غیر آن نمی‌تواند مفید باشد، یک محقق و اقتصاددان اسلامی گذشته از احکام فقهی و روابط حقوقی شایسته است توجه کافی به اهداف و اصول و مبانی اقتصاد اسلامی نیز داشته باشد. آیا جای تحقیق و بررسی نیست که پیامبر اکرم (ص) با وجود اطلاع کامل از عقود چون فروش نسبه و اقساطی یا اجاره، در قراردادهای سرمایه‌گذاری تولیدی و تجاری و راه انداختن کاروانهای بازرگانی به عقود چون مضاربه، مزارعه و مساقات سفارش می‌کردند یا وقتی در جنگ خیبر بر یهودیان پیروز شدند اراضی و باغهای خیبر را از طریق عقد مزارعه و مساقات به آنان واگذار کردند.^(۳)

انواع عقود بانکی

عقود موجود در قانون بانکداری بدون ربا جمهوری اسلامی ایران را می‌توان با توجه به ماهیتشان در یک تقسیم بندی کلی به دو گروه عقود مشارکتی و عقود با بازدهی ثابت تقسیم کرد. البته برخی عقود مطابق ماهیت اولیه‌شان در این تقسیم بندی نمی‌گنجند لکن با توجه به آئین نامه و دستور العملهای اجرایی آنها می‌توان در آن گروهها جای داد.

الف. عقود مشارکتی

در این نوع عقود بانک، کل یا بخشی از سرمایه مورد نیاز یک فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری یا خدماتی) را تامین می‌کند و در نهایت مطابق قراردادی که با صاحبکار اقتصادی منعقد کرده سود فعالیت مورد نظر را تقسیم می‌کنند و سهم هیچ یک از طرفین قبل از اتمام فعالیت اقتصادی معلوم نیست. این عقود عبارتند از:^(۴)

۱- مشارکت مدنی

ماده ۱۸: مشارکت مدنی عبارتست از درآمیختن سهم‌الشرکه نقدی و یا غیر نقدی به اشخاص حقیقی و یا حقوقی متعدد بنحو مشاع به منظور انتفاع طبق قرارداد.
ماده ۱۹: مشارکت مدنی توسط بانکها به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای فعالیت تولیدی،

بازرگانی و خدماتی صورت خواهد گرفت.

ماده ۲۱: مشارکت مدنی پس از اتمام موضوع شرکت تصفیه و مرتفع می‌شود.

۲- مشارکت حقوقی

ماده ۲۳ و ۲۴، منظور از مشارکت حقوقی عبارتست از تامین قسمتی از سرمایه شرکتهای سهامی جدید و یا خرید قسمتی از سهام شرکتهای سهامی موجود، بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش فعالیت بخشهای مختلف تولیدی، بازرگانی و خدماتی قسمتی از سرمایه مورد نیاز شرکتهای سهامی را که برای امور مذکور تشکیل شده و یا می‌شوند تامین نمایند.

ماده ۲۶: بانکها می‌توانند سهام خود در شرکتهای سهامی را به فروش برسانند.

۳- مضاربه

ماده ۳۶ و ۳۷: مضاربه قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین (مالک) عهده‌دار تامین سرمایه (نقدی) می‌گردد با قید این که طرف دیگر (عامل) با آن تجارت کرده و در سود حاصله شریک باشند، بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور بازرگانی به عنوان مالک، سرمایه نقدی (منابع) لازم را در اختیار عامل اعم از شخص حقیقی یا حقوقی قرار دهند.

۴- مزارعه

ماده ۷۱ و ۷۲: مزارعه قراردادیست که به موجب آن یکی از طرفین (مزارع) زمین مشخص را برای مدت معینی به طرف دیگر (عامل) می‌دهد تا در زمین مذکور زراعت کرده و حاصل بین مزارع و عامل تقسیم گردد. بانکها می‌توانند به منظور افزایش بهره‌وری و تولید محصولات کشاورزی به عنوان مزارع اراضی مزروعی را که ملک آنها بوده و یا ملکی باشد که به هر عنوان مجاز در تصرف و بهره برداری از آن باشند طبق قرارداد به مزارعه واگذار نمایند.

۵- مساقات

الف - ماده ۷۴ و ۷۵: مساقات معامله‌ایست که بین صاحبان درخت و امثال آن با عامل در مقابل حصه مشاع معین از ثمره واقع می‌شود. بانکها می‌توانند به منظور افزایش بهره‌وری و تولید محصولات کشاورزی، باغات و درختان مثمری را که مالک عین یا منفعت آنها بوده و یا به هر عنوان مجاز در تصرف و بهره برداری از آنها باشند به مساقات بدهند.

ب. عقود بابازدهی ثابت

مطابق این عقود نیز بانک، کل یا بخشی از سرمایه مورد نیاز یک فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری، خدماتی) را تأمین می‌کند با این تفاوت که بعد از انعقاد قرارداد و قبل از انجام فعالیت اقتصادی سود بانک معلوم و معین است و تحولات آتی و تغییرات احتمالی وضعیت مالی فعالیت مذکور از جهت سود و زیان ارتباطی به سود و مطالبات بانک از آن فرد ندارد. این عقود عبارتند از:

۱- فروش اقساطی

ماده ۴۷: منظور از فروش اقساطی عبارتست از واگذاری عین به بهای معلوم به غیر به ترتیبی که تمام یا قسمتی از بهای مزبور به اقساط مساوی یا غیر مساوی در سررسید یا سررسیدهای معین دریافت گردد.

بانکها از عقد فروش اقساطی (نسیه) جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، تهیه وسایل تولید (ماشین‌الات و تاسیسات) و تهیه مسکن استفاده می‌کنند.

ماده ۴۸: بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزارکار مصرفی و سایر نیازهای اولیه مورد احتیاج این واحدها را منحصراً بنابه درخواست کتبی و تعهد متقاضیان مبنی بر خرید و مصرف عوامل مذکور خریداری و به صورت اقساطی بفروش برسانند.

ماده ۵۱: بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور صنعت، معدن، کشاورزی و خدمات، ماشین‌الات و تاسیسات مورد نیاز آن بخشها را منحصراً بنابه درخواست کتبی متقاضیان و تعهد آنها مبنی بر خرید، مصرف و یا استفاده مستقیم این گونه اموال خریداری و به صورت اقساطی به متقاضی بفروش برسانند.

ماده ۵۵: بانکها می‌توانند واحدهای مسکونی احداث و به صورت اقساطی بفروش برسانند. ماده ۴۹، ۵۳، ۵۶: قیمت فروش اقساطی با توجه به قیمت تمام شده و سود بانک تعیین خواهد شد.

۲- اجاره به شرط تملیک

ماده ۵۸، ۵۷: اجاره به شرط تملیک عقد اجاره‌ایست که در آن شرط شود مستأجر در پایان مدت اجاره و در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد، عین مستأجره را مالک گردد. بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور خدماتی، کشاورزی، صنعتی و معدنی به عنوان موجر مبادرت به معاملات اجاره به شرط تملیک بنمایند.

ماده ۶۲: میزان مال الاجاره در مورد اموال خریداری و یا واحدهای مسکونی احداث شده با در نظر گرفتن قیمت تمام شده، مدت اجاره به شرط تملیک و سود مناسب برای بانک تعیین می‌گردد.

۳- سلف

ماده ۴۰، ۴۱: منظور از معامله سلف پیش خرید نقدی محصولات تولیدی به قیمت معین می‌باشد، بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی اعم از اینکه مالکیت این واحدها متعلق به شخص حقیقی یا حقوقی باشد منحصرأ بنابه درخواست این گونه واحدها مبادرت به پیش خرید محصولات تولیدی آنها بنمایند.

ماده ۴۴: قیمت پیش خرید محصولات تولیدی توسط بانکها با توجه به عوامل مؤثر در تعیین قیمت از جمله پیش بینی قیمت فروش آنها در سررسید تحویل و همچنین سود بانک تعیین خواهد شد.

۴- جعاله

ماده ۶۶ و ۶۷: جعاله عبارتست از التزام شخص «جاعل» یا «کارفرما» به ادای مبلغ یا اجرت معلوم (جعل) در مقابل انجام عملی معین طبق قرارداد، طرفی که عمل را انجام می‌دهد «عامل» یا «پیمانکار» نامیده می‌شود، بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی با تنظیم قرارداد به عنوان «عامل» یا عندالاقضاء به عنوان «جاعل» مبادرت به جعاله نمایند.

ماده ۴ دستورالعمل اجرایی: در مواردی که بانک عامل جعاله می‌باشد باید در قرارداد جعاله اختیار بانک برای واگذاری انجام یا قسمتی از عمل معین به غیر تحت عنوان جعاله ثانوی و یا هر عنوان دیگری قید شود.

ماده ۸ دستورالعمل اجرایی: جعل دریافتی توسط بانکها باید علاوه بر پوشش هزینه‌های انجام شده مربوط حاوی سود معین برای بانک باشد.

۵- خرید دین

ماده ۲ آئین نامه اجرایی: بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت واحدهای تولیدی و بازرگانی و خدماتی اسناد و اوراق تجاری متعلق به این قبیل واحدها را طبق ضوابط این آئین نامه تنزیل نمایند.

ماده ۵: تنزیل اسناد و اوراق تجاری توسط بانکها در صورتی مجاز است که سررسید این

قبیل اسناد و اوراق از یک سال تجاوز ننماید.

ماده ۶: بانکها می‌توانند اوراق و اسناد تجاری را به قیمت کمتر از مبلغ اسمی آنها تنزیل نمایند در هر حال این تفاوت قیمت نمی‌تواند بیش از دوازده درصد باشد.

چنانچه از مواد ۴۹، ۵۳، ۵۶، ۶۲، ۴۴ آئین نامه اجرایی و ماده ۸ دستورالعمل اجرائی عقد جعاله و ماده ۶ دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین بدست می‌آید قیمت فروش اقساطی، مال‌الاجاره در عقد اجاره به شرط تملیک، قیمت خرید در عقد سلف، جعل عقد جعاله و نرخ تنزیل خرید دین چنان تعیین می‌شود که سود مشخص و از قبل تعیین شده‌ای نسبت به سرمایه برای بانک تامین گردد. برای مثال اگر بانک قصد دارد به سود ۲۵٪ سالانه دست یابد قیمت‌ها را چنان تنظیم می‌کند که به آن نتیجه منتهی گردد. به عبارت روشن‌تر عقود با بازدهی ثابت با توجه به آئین نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی چنان تنظیم شده‌اند که دقیقاً ماهیت بانکداری ربوی را ایفا می‌کنند، همانطور که در بانکداری ربوی بانک با قطع نظر از نقش آفرینی سرمایه در کل اقتصاد و با قطع نظر از عملکرد بنگاهی که متقاضی سرمایه است وام و اعتبار در اختیار او قرار داده بهره‌مندی را (که یا شورای پول و اعتبار تعیین کرده و یا بازار پول آن را ساخته است) مطالبه می‌کند در این عقود نیز بانکها با قطع نظر از نقش سرمایه و عملکرد بنگاه خاص قیمت را چنان تنظیم می‌کنند که سود از قبل معین شده بانک تامین شود، برای مثال کشاورزی که در نظام ربوی جهت خرید تراکتور پنج میلیون اعتبار یک ساله با بهره بیست درصد می‌گرفت و آخر سال معادل شش میلیون می‌پرداخت امروزه همان کشاورز همان تراکتور را بعد از انجام کلی کارهای اضافی به شش میلیون بصورت نسبه مثلاً از خود بانک خریداری می‌کند و همانطور که در نظام ربوی هدف عمده برای بانک رسیدن به آن ۲۰٪ بهره بود و کاری به فعالیت اقتصادی آن کشاورز و بازدهی آن سرمایه نداشت در عقد فروش اقساطی نیز مطلب همین منوال است. البته بانکها علاوه بر عقود دهگانه گذشته بخشی از منابع را به سرمایه‌گذاری مستقیم و بخشی را به قرض‌الحسنه اختصاص می‌دهند که اولی اگر چه عقد نیست و بانک بامتقاضی خاصی قرارداد نمی‌بندد لکن از جهت عملکرد ماهیت عقود مشارکتی را دارد. دومی از سنخ فعالیت‌های خیر خواهانه و در جهت گسترش تامین اجتماعی اقشار کم درآمد و متوسط است و ارتباطی به بحث ما ندارد.

تذکر این نکته هم لازم است که بعد از اجرای قانون بانکداری بدون ربا، عقد مزارعه و مساقات به جهت اینکه بانکها موضوع آن عقود را نداشتند به صحنه عمل نیامدند عقد خرید دین نیز به جهت وجود مشکلات فقهی از سال ۱۳۶۷ متوقف گردید.

بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا

گذشت سیزده سال از فعالیت بانکداری بدون ربا فرصت خوبی است که جهت گیری بانکها

را در میزان موفقیت آنها در اجتناب از سیستم ربوی مورد مطالعه قرار دهیم. اگر چه در سخنرانی‌های عمومی و رسمی گاهی گفته می‌شود: «شیوه بانکداری اسلامی در کشور ما و اجرای آن باعث شد که تفکر بانکداری مشارکتی در اقتصاد دنیا مورد توجه بیشتری قرار گیرد... به گونه‌ای که در بعضی از کشورها طبق قوانین ذی‌ربط مشارکت در سرمایه‌گذاری‌ها و سرمایه و سهام خیلی مورد توجه نبود و یا حتی ممنوع بود، به تدریج این ممنوعیت‌ها لغو می‌شود و بانکداری مشارکتی شعاع و سهم بیشتری را در سیستم بانکی آن کشورها حایز می‌شود... اگر هدف اقتصادی و سیاستهای اقتصادی کشورها عدالت اجتماعی باشد و بخواهیم عدالت اقتصادی را در بُعد سیستم پولی به اجرا درآوریم چاره‌ای نداریم جز اینکه سپرده‌گذاران رادر سرمایه‌گذاریهایی که با پول آنها انجام می‌شود مشارکت دهیم»^(۵)

ترکیب مانده تسهیلات اعطائی جدید بانکها به بخش غیر دولتی (۱) در پایان سال

درصد

۱۳۶۲	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴
۳۴/۰	۳۲/۶	۳۵/۷	۴۲/۷	۴۷/۱	۴۶/۸	۴۹/۰	۴۷/۰	۴۶/۵	۴۵/۰	۴۵/۸	۴۴/۰
۱۵/۰	۱۳/۲	۱۳/۹	۱۳/۹	۱۱/۷	۱۲/۸	۱۴/۵	۱۷/۸	۱۷/۶	۱۷/۴	۱۸/۱	۱۹/۴
۱۸/۵	۱۵/۹	۱۵/۵	۱۲/۶	۱۱/۰	۱۰/۷	۱۰/۲	۹/۷	۸/۵	۷/۵	۷/۳	۶/۸
۰/۳	۱/۴	۱/۴	۱/۸	۲/۸	۵/۱	۶/۶	۷/۰	۶/۰	۶/۰	۶/۶	۶/۹
۳/۷	۳/۲	۳/۹	۳/۹	۲/۹	۶/۷	۵/۳	۵/۰	۶/۷	۶/۹	۶/۲	۵/۷
۳/۶	۷/۳	۶/۶	۷/۱	۷/۱	۵/۸	۴/۶	۴/۸	۵/۲	۴/۸	۳/۶	۳/۸
۱۰/۸	۱۰/۸	۱۱/۶	۱۰/۶	۹/۷	۷/۵	۵/۷	۴/۲	۳/۶	۴/۶	۴/۴	۲/۵
۱/۸	۰/۹	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۵	۰/۴	۰/۷	۰/۵	۰/۷	۰/۸	۱/۰
۰/۶	۳/۶	۲/۷	۱/۷	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۹	۲/۶	۲/۴	۱/۸
۱۱/۷	۱۰/۱	۶/۴	۳/۱	۰/۱	۰/۶	۰/۳	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۰
۰/۲	۱/۲	۱/۷	۱/۸	۲/۶	۲/۲	۲/۱	۲/۴	۳/۵	۴/۳	۴/۷	۶/۱
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
جمع											

۱- شامل انواع موضوع معاملات بجز اموال اجاره به شرط تملیک می‌باشد.

۲- شامل مطالبات معوق و سررسید گذشته می‌باشد.

ترکیب مانده تسهیلات اعطائی جدید بانکها به بخش غیر دولتی طی سالهای ۶۳ و ۶۸ و ۷۴

